




Errors and slips of the scribes in quoting the poems in the copying of Shamayil al-Atqiya and Razayel al-Ashqiya

 Zahra Rahimi

 Mohammad Rezaei

  Ghodratollah Khayatian

Submitted: 2024-01-20 Revised: 2023-12-01 Accepted: 2024-04-13 Published: 2025-03-21 pp.139-166

Abstract

In various eras, scribes have made errors and slips in their manuscripts for various reasons, including carelessness and non-compliance with confidentiality, and have tampered with these texts. These slips and possessions, which sometimes seem to be the result of scribes' negligence and impatience, and in some cases may be intentional, are always found in the manuscripts of various literary texts. The text of Shamayil al-Atqiya and Razayel al-Ashqiya is one of the texts left over from the mysticism and the Chishtiyyah Tariqa. in which the arguments and opinions of the elders of Cheshtiyyah were copied by one of her disciples - named Rukn al-Din Debir Kashani - in this collection and various versions after Rukn al-Din were copied by the scribes and made available to the audience. In these versions, many slips can be seen in not mentioning the names of poets and composers of verses that are not the author's. And as we get closer to the late era, these problems become more visible. In such a way that the writer refused to attribute the poems to the main poet and paid attention to the verses as if they were written by Rukn al-Din Kashani.

Keywords: manuscript. what is it Shamayil al-Atqiya and Rasayl al-Ashqiya. 8th century Attribution of poems.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](#), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.








References

- Amirsalar, Mahmoud (2005), Allameh Qazwini and the Art of Text Editing, Letter to Baharestan. Sixth year. No. 1-2. pp. 189-206.
- Dabir Kashani Khaldaabadi, Rukn al-Din ibn Imad al-Din (1967 AH), The Portraits of the Righteous and the Vices of the Wicked, edited by Mowlavi Hakim Gholam Mortaza, Hyderabad Deccan: Ashraf Press (base edition).
- Esteinfelez, Amina and Moshafi, Mohammad Ehsan (2019), The Style of Oral Sayings in South Asian Sufism, Journal of Wisdom and Knowledge Information. Fourteenth year. No. 2. pp. 28-32.
- Faryamanesh, Masoud (2013), Under the Title of Hasan Sajzi Dehlavi, Encyclopedia of Language and Literature in the Subcontinent under the Supervision of the Subcontinent Group. Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
- Faryamanesh, Masoud and Ernst Karl (2014), The Written Record of Oral Teachings in Early Chishti, Mirror of Research, Twenty-Fifth Year. No. 148. pp. 5-14.
- Manzavi, Ahmad (2004), Joint Catalog of Persian Manuscripts in Pakistan, Vol. 1. Second Edition. Tehran: Majma' Zakhayir Islami.
- Mayl Heravi, Najib (1990), Critique and Correction of Texts, Mashhad: Foundation for Islamic Researches of the Astan Quds Razavi.
- Mayl Heravi, Najib (2001), History of Manuscript Editing and Critical Correction of Manuscripts, Tehran: Library, Museum, and Document Center of the Islamic Consultative Assembly.
- Nushahi, Aref (2007), Etiquette and Requirements of Writing; Derived from the Original Manuscript of Miftah al-Matalib, Letter of Baharistan. No. 9-8. pp. 75-76.
- Qalandar, Hamid (2019), The Best of Assemblies: The Sayings of Sheikh Nasir al-Din Mahmood Chiragh Delhi, with Editing, Introduction, and Commentaries by: Khalique Ahmad Nazami. Second Edition. Tehran: Mowlavi.
- Qomi, Abbas (Sheikh) (1979), Al-Kuni wa al-Alqab, Vol. 1. Najaf: Sayd al-Mat'aba al-Irfan.
- Rahimi, Zahra, Mohammad Rezaei, Qodratollah Khayyatian (2022), A Study of the Text of the Portraits of the Righteous and the Vices of the Wicked Based on the Chishti Path and a Text from the Eighth Century AH, Scientific Journal of Stylistics of Persian Prose and Poetry (Spring of Literature). Volume 15. No. 82. pp. 299-320.
- (2022), A Study and Analysis of the Components of the Chishti Path Based on the Text of the Portraits of the Righteous and the Vices of the Wicked, Scientific-Technical Quarterly of Language and Literary Criticism Studies (Formerly Rakhsaari Language), Sixth year. No. 22. pp. 93-114.
- Shokrallahi Taliqani, Ehsanollah (2006), Compilation and Corruption (Causes of Corruption and Alteration by Copyists and the Complaints of Authors and Compilers about Them), Mirror of Heritage. New Series. No. 32. pp. 129-157.

**خطاها و لغزش‌های کاتبان در نقل اشعار در استنساخ نسخ شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیا**

(متنی از ملفوظات سلسله چشتیه از قرن هشتم ه.ق.)

زهرا رحیمی^۱  محمد رضایی^۲  قدرت الله خیاطیان^۳ 

از صفحه ۱۳۹ تا صفحه ۱۶۶ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

در ادوار گوناگون کاتبان به دلایل مختلفی از جمله بی‌دقتی و عدم پایبندی به رعایت امانتداری، خطاها و لغزش‌هایی را در کتابت دست‌نوشته‌های خویش داشته و دخل و تصرفاتی در این متون اعمال کرده‌اند. این لغزش‌ها و تصرفات که گاه به نظر می‌رسد نتیجه اهمال کاری و بی‌حوصلگی کاتبان و در مواردی ممکن است به صورت عامدانه باشد، همواره در دست‌نوشته‌های متون مختلف ادبی یافت شده و می‌شود. متن شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیا یکی از متون برجای مانده از عرفان و طریقت چشتیه است که ملفوظات و آراء بزرگان چشتیه به وسیله یکی از مریدان - به نام رکن‌الدین دبیر کاشانی - در این اثر گردآوری و نسخ گوناگونی پس از رکن‌الدین، به دست کاتبان استنساخ شده و در دسترس مخاطبان قرار گرفته است. در این نسخه‌ها، لغزش‌های فراوانی در عدم ذکر نام شاعران و سرایندگان ابیاتی که از مؤلف نیست، دیده می‌شود و هرچه به دوران متأخر نزدیک می‌شویم، این اشکالات بیشتر به چشم می‌خورد؛ به‌صورتی که کاتب از انتساب اشعار به شاعر اصلی خودداری نموده و ابیات را به گونه‌ای مورد توجه قرار داده که گویی از رکن‌الدین کاشانی است. در این مقاله که به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر مبنای نسخه‌شناسی و مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی انجام پذیرفته، سعی کرده‌ایم با مراجعه به نسخ قدیمی از کتاب شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیا و مقایسه نسخ متأخر با نسخه اساس، به بررسی مسأله انتساب ابیات در این کتاب بپردازیم. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که خطاهای کاتبان و اهمال کاری آنان در ضبط نام گوینده اصلی شعر در نسخ متأخر به فراوانی یافت می‌شود.

کلیدواژه‌گان: نسخه خطی. چشتیه. شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیا. قرن هشتم. انتساب اشعار.

Cite this article: Rahimi, Zahra. Rezaie Mohammad. Khayatian, Ghodrattollah (2025) Errors and slips of the scribes in copying the Nashq of Shamayil al-Atqiya and Raza'il al-Ashqiya: A text from the archives of the cheshtiyya aynasty from the 8 th century AH. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskhah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). Vol-4, Issue-1, 139-166. <https://doi.org/10.22034/crtc.2024.436839.1134>

۱. دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی. گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه سمنان. سمنان. ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی. گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه سمنان. سمنان. ایران.

۳. (نویسنده مسؤول) استاد عرفان اسلامی. گروه عرفان اسلامی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه سمنان. سمنان. ایران.



۱. مقدمه

کاتبان نسخه‌های خطی در دوره‌های گوناگون تاریخی به دلایل مختلف، لغزش‌ها و خطاهایی در کتابت متون داشته یا دخل و تصرف‌هایی انجام داده‌اند. این لغزش‌ها یا دخل و تصرفات در پاره‌ای از موارد، ماحصل دانش اندک کاتبان یا اطلاعات ناقص و ضعیف آنان و در بعضی از موارد نیز نتیجه بی‌حوصلگی، کم‌دقتی یا تصرفات عامدانه آن‌ها بوده است. از این رو در بسیاری از موارد می‌توان شاهد اشتباهاتی در نسخ خطی بود. گرچه این امر، به نوعی در سنت نسخه‌نویسی پذیرفته شده و گاه تا به اندازه‌ای زیاد بوده است که شاعران، لب به شکایت گشوده و از اوضاع نابه‌سامان کتابت گلایه می‌نمایند. چنانکه شاعری از قرن هشتم به نام «شیخ آذری» از تصرفات فراوان در دیوان خود نالان است و می‌گوید:

حالی شریک غالب دیوان بنده اوست زیرا که بیشتر سخن خود نوشته است

(ر.ک: مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۰۶)

همین بیت نشان از آن دارد که کاتبان در نسخ خطی که از آثار شاعران و نویسندگان استنساخ می‌کرده‌اند، تصرفات فراوانی داشته‌اند. ملفوظات چشتیه از جمله آثاری‌اند که به دلیل انعکاس و ثبت تعالیم شفاهی فرقه چشتیه، به عنوان قالبی مکتوب و معتبر و در اندک‌زمانی به عنوان سندی متقن برای دسترسی به افکار، آراء و اندیشه‌های بزرگان چشتیه شناخته شدند. این میراث ارزشمند که در برگیرنده سخنان شیخ و صوفی بود، غالباً به مجرد تمام شدن مجالس روزانه به دست کاتب از حافظه به قلم درمی‌آمد و در عمل بازنویسی کلام، ناگزیر تفسیر و گزینش یا دخل و تصرفی نیز صورت می‌پذیرفت. این سنت انتقال شفاهی که به همت مریدان و شاگردان تبدیل به آثاری مکتوب شد. در طول ادوار گوناگون از سوی کاتبان مورد استنساخ و رونویسی قرار می‌گرفت و به دلایل بسیاری دچار لغزش‌ها و انحرافات می‌شد. یکی از این ملفوظات، کتاب «شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیاء» است. مسأله اصلی پژوهش پیش رو آن است که به نظر می‌رسد دخل و تصرف کاتبان در نسخ خطی موجود از متن کتاب یاد شده، سبب انتساب نادرست یا عدم ذکر نام شاعر در ابیات موجود در این کتاب شده است؛ چنانکه هرچه از نسخ قدیم‌تر و نسخه‌ اساس به این سو می‌آییم، میزان ضعف موجود در انتساب ابیات به شاعران دیگر یا عدم ذکر نام شاعر بیشتر می‌شود. در خصوص این ضعف محتوا نکته حائز اهمیت آن است که به نظر



می‌رسد رکن‌الدین دبیر کاشانی، در سنت مکتوب نمودن ملفوظات بر اساس نسخه‌های قدیمی بر جای مانده تا حد امکان رعایت امانتداری را انجام داده و این اشتباه کاتبان است که سهواً متن را با چنین لغزش‌هایی مواجه ساخته است. بررسی موارد یاد شده می‌تواند پژوهشگران را از اشتباه‌های احتمالی درباره انتساب اشعار دور نماید.

از این رو در مقاله پیش‌رو برآنیم به معرفی چندین مورد از اشتباهاتی که کاتبان در نسخه‌برداری از متن کتاب شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء مرتکب شده‌اند، بپردازیم، تا خواننده ناآشنا متوجه تمایز شعر شاعر اصلی، از شعر رکن‌الدین دبیرکاشانی یا گوینده دیگر بشود. فرضیه پیش‌رو آن است که به نظر می‌رسد کاتب به دلیل ارادت و علاقه به بالا بردن هرچه بیشتر مقام معنوی رکن‌الدین از ذکر نام شاعر خودداری کرده است. آنچه این فرضیه را قوت می‌بخشد، آنکه «رکن‌الدین افزون بر اینکه با سنت شعر فارسی و اشعار شاعران بزرگ ایران، هم‌چون خاقانی، نظامی، سعدی و مانند آنها نیک آشنا بود؛ خود نیز دستی در شعر داشت و ابیات پرشماری از وی در قالب‌های گوناگون شعری در آثارش بر جای مانده است» (فریامنش، ۱۳۹۲: ذیل رکن‌الدین کاشانی). از این رو نمی‌توان پذیرفت که ایرادات و خطاهای موجود در عدم ذکر شاعر یا انتساب نادرست شعر به شاعری دیگر در کتاب شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء، حاصل سهل‌انگاری رکن‌الدین دبیر کاشانی باشد و به نظر می‌رسد خطاهای موجود ناشی از سهل‌انگاری کاتبان باشد.

۲. ضرورت پژوهش

ارزش و جایگاه آثار فارسی باقی مانده در شبه‌قاره هند را باید در آمیختگی تصوف و عرفان با زبان فارسی دانست و بدون اغراق می‌توان گفت زبان فارسی، نقش بسیار مهمی در گسترش عرفان و تصوف در شبه‌قاره هند داشته است و همین موضوع ضرورت توجه به احیاء این آثار و منقح ساختن آنها از ایرادهای گوناگون را بیشتر مشخص می‌نماید؛ از سویی مهم‌ترین ضرورت توجه به متن شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء از رکن‌الدین دبیر کاشانی، نقش و اهمیتی است که این کتاب در میان آثار برجای مانده از صوفیانه مشایخ هند و فرقه چشتیه به زبان پارسی دارد. رکن‌الدین دبیر کاشانی، سعی در ضبط سخنان و کلمات مراد خود در قالب مکتوب ساختن ملفوظات وی دارد؛ اما به نظر می‌رسد پس از رکن‌الدین، ایرادهایی در کتابت نسخ خطی این کتاب توسط کاتبان در عدم ذکر نام شاعران در این اثر به چشم می‌خورد. همین مسأله ضرورت بررسی نسخ، از قدیم به جدید را جهت میزان تصرف کاتبان مشخص می‌نماید.



۳. اهداف پژوهش

در این پژوهش با توجه به وجود آثار ارزشمند، اما اندکی که پیرامون متن شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا- متنی از سده هشتم هجری مبتنی بر طریقت چشتیه- وجود دارد، لازم دیده شد تا علاوه بر بهره‌مندی از آن تحقیقات و رعایت امانتداری، نکات جدیدی پیرامون صحت انتساب ابیات موجود در این متن به رکن‌الدین دبیر کاشانی، مؤلف متن مذکور، مطرح گردد؛ بنابراین هدف اصلی این جستار، تحلیل و واکاوی لغزش‌هایی است که به دلایل گوناگون از جمله لغزش‌های سهوی در انتساب ابیات دیگر شاعران توسط کاتبان متن، به رکن‌الدین دبیر کاشانی نسبت داده شده است.

۴. پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع انتساب اشعاری که به چند شاعر منسوب شده، کتاب ارزشمندی از محمد دبیرسیاقی (۱۳۳۴) با عنوان گنج‌بازیافته توسط انتشارات کتابخانه خیام منتشر شده است. نویسنده در این کتاب ضمن بررسی احوال و اشعار لبیبی، ابوشکور بلخی، دقیقی، ابوحنیفه سکاکی، غضائری رازی و ابوالطیب مصعبی ابتدا شرحی جامع از زندگی هر یک از شاعران و سبک فکری و ادبی آنان ارائه داده، سپس با وقادی و تیزبینی به بررسی ابیات منسوب به هر شاعر با ذکر مستندات پرداخته است. در این اثر ارزشمند، بحثی پیرامون موضوع مقاله حاضر وجود ندارد. رساله شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا از جمله متونی است که یک نسخه قدیمی از آن در حیدرآباد دکن موجود است که به صورت چاپ سنگی است. تصحیح این متن به صورت انتقادی در رساله دکتری زهرا رحیمی در دانشگاه سمنان به راهنمایی دکتر محمد رضایی و دکتر قدرت الله خیاطیان انجام پذیرفته است. به جز این تصحیح دقیق، تاکنون چند مقاله پژوهشی نیز در راستای متن شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا انجام شده است؛ از جمله رحیمی و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی متن شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا مبتنی بر طریقت چشتیه: متنی از سده هشتم هجری» سبک فکری، زبانی و ادبی این اثر را ضمن معرفی نسخه موجود مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

موسوی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان سنت اخذ و اقتباس در متون و نمود آن در شمایل‌التقیای رکن‌الدین دبیر کاشانی مطالبی را پیرامون بخش‌هایی از نثر کتاب یاد شده که منسوب به عارفان و نویسندگان دیگری است و در کتاب یا اسمی از نویسنده نیست و یا در صحت انتساب آن خطایی وارد شده است را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده و نتیجه گرفته است که بخش‌هایی از نثر این کتاب در کتب دیگر عرفانی از جمله تمهیدات عین‌القضات



همدانی موجود است. فریامنش و ارنست (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان مکتوب شدن تعالیم شفاهی در طریقه چشتیه متقدم ضمن توجه به اصول و مبانی فکری طریقت مذکور و سنت نگارش ملفوظات «امالهنویسی» نقش و اهمیّت کتاب شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء را در انتقال افکار و اندیشه‌های بزرگان طریقت چشتیه مورد توجه قرار داده‌اند. رویکرد این پژوهش با آنچه که ما در این جستار در خصوص ابیات منظوم در کتاب «شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء» مورد توجه قرار می‌دهیم، متفاوت است؛ چرا که نسخه خطی موجود هم در ارائه شواهد منثور و هم شواهد منظوم، دارای خطاها و یا تصرفات (سهوی یا عمدی) کاتبان است و تاکنون پیرامون صحت ابیات موجود در این اثر، پژوهشی صورت نگرفته است؛ از این رو جستار پیش‌رو کاملاً نوآورانه محسوب می‌شود.

۵. روش پژوهش

روش پژوهش در این جستار، به شیوه توصیفی - تحلیلی، بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی انجام خواهد شد که در آن با بهره‌گیری از نسخه چاپ سنگی شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء با قدمت بیش از یک قرن با جلد گالینور، (تعداد صفحات ۳۶۶) به اهتمام مولوی حکیم غلام مرتضی حیدرآباد دکن به عنوان نسخه اساس به بحث و بررسی خواهیم پرداخت. این نسخه در تصحیح انتقادی رساله دکتری زهرا رحیمی از دانشگاه سمنان تصحیح شده است.

۶. چارچوب نظری بحث

ذکر یا عدم ذکر نام شاعر در یک نسخه خطی بارها و بارها در نسخ گوناگون فارسی اتفاق افتاده است. این آمیختگی، انتساب نادرست یا عدم ذکر نام شاعر، دلایل گوناگونی دارد و به شیوه‌های مختلفی ممکن است پیش آمده باشد. گاه شاعری شعری را از دیوانی پسندیده و آن را در حاشیه دیوان خود آورده و ناسخ شعر را از او پنداشته و آن را وارد متن اصلی کرده است. گاه در هم‌آمیزی به این علت بوده است که معمولاً در میان کاتبان رسم بوده است که متن را به آثار و گفته‌های یک شاعر و حواشی نسخه را به آثار شاعران دیگر اختصاص می‌داده‌اند و این کار سبب درهم آمیختن آثار شاعران، خلط مبحث و اشتباهات می‌شده است و گاه چنان اتفاق می‌افتاده که صاحب ذوق و قریحه‌ای شعری از خویش را در پایان یا حاشیه یک دیوان یادداشت می‌نموده و پس از وی هم کاتبی آن را با باقی دیوان به کتابت درمی‌آورده است، از این رو چنین اشتباهاتی در دیوان‌های شعری و انتساب شعری به نام شاعر دیگر امری نسبتاً رایج بوده است. گاه پیش می‌آید که ناسخ ضمن استنساخ اثر، نام شاعر را نمی‌آورد و به حکم ذوق ادبی خویش یا از سر اهمال کاری و بی‌دقتی و یا برای بزرگداشت و بالا بردن



مقام نویسنده یا شاعر اثر، شعری از شاعر دیگر را بدون ذکر نام گوینده اصلی آن به وی نسبت می‌داد؛ چنانکه در متن شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء موارد بسیاری از اشعار سنایی، سعدی و... بدون ذکر نام شاعر به رکن الدین دبیر کاشانی به صورت تلویحی نسبت داده شده است.

نسخ خطی به جا مانده از گذشته یکی از مهمترین ابزارها و اسناد مکتوب دستیابی به بسیاری از جنبه‌های گوناگون اطلاعات درباره یک دوران تاریخی است که با بررسی آنها می‌توان پاسخ بسیاری از مجهولات را در بافت فرهنگی و تاریخی یک جامعه به دست آورد و زمینه رشد و شکوفایی بیشتر جامعه را در ادوار بعد فراهم نمود؛ اما آنچه در این زمینه حائز اهمیت است، آن است که خوانندگان نسخ خطی با دسترسی به این قبیل آثار اطمینان حاصل نمایند که آنچه از پیشینیان به آنان به‌عنوان میراثی مکتوب و گرانبها منتقل شده است، از هر جهت قابل اعتماد است و درست همان چیزی است که در متون اولیه وجود داشته است و دستکاری‌ها و تصرفات کاتبان، متن را دچار لغزش و تغییر نکرده باشد. یکی از مهمترین دلایلی که در نسخ خطی موجب تغییراتی می‌شود، تصرفات کاتبان است. آگاهی یا عدم آگاهی بسیاری از کاتبان، نقش اساسی در میزان تغییرات آنان در متون قدیمی دارد تا جایی که در مکتوب شدن تعالیم صوفیه چشتیه و ملفوظات آنان در کتاب شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء شاهد خطاهایی در عدم انتساب ابیات مربوط به شاعران طراز اول و معروف را می‌توان مشاهده کرد. در این کتاب که در اساس گردآوری پاره‌هایی از ملفوظات شیخ و مراد رکن الدین دبیر، یعنی برهان الدین غریب در طریقت چشتیه است گاه با بی‌دقتی و کاستن نام شاعر، اصالت اثر مخدوش شده است و خواننده آگاه در صورتی که شاعر بیت را بشناسد هنگامی که نام شاعر را در متن مشاهده نمی‌کند، تا حدود بسیاری از اعتماد به متن دور شده و حتی ممکن است اصالت منقولات آن را مورد تردید قرار دهد. اما این ایراد به عهده کیست؟ برهان الدین کاشانی یا کاتبان پس از وی؟ برای پاسخ به سؤال مطرح شده لازم است تا ابتدا مختصری پیرامون جایگاه کتابت و کاتبان توضیحاتی ارائه دهیم؛ آنگاه به ذکر مواردی که در آن قدیمی‌ترین نسخه کتاب شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء به ذکر نام شاعر پرداخته و پس از آن در نسخ جدیدتر از ذکر نام شاعر خودداری شده است، می‌پردازیم.

۷. پیشینه کتابت و نسخه‌برداری در تاریخ تمدن اسلامی

کاتب که در تاریخ تمدن اسلامی با اسامی وزّاق، صحّاف، مستنسخ (نسخ) کاتب و جمع آن کُتاب و نویسنده نیز خوانده می‌شد، در تاریخ تمدن بشر نقش به‌سزایی داشته است. در مصر باستان به علت پیوند تنگاتنگی که



میان مسائل اقتصادی، سیاسی و کتابت وجود داشت، کاتبان نقش بسیار پراهمیتی داشتند. این قدرگذاری به علت موروثی بودن شغل کتابت محدود به عده‌ای محدود بوده است؛ به‌گونه‌ای که سبب پیدایش طبقه‌ای از طبقات اجتماعی در روزگار کهن بوده و همین امر سبب شده تا کاتبان روزگار باستان در ایجاد سادگی نظام خط و کتابت توجهی نداشته باشند؛ زیرا ایجاد هر نوع سادگی در دستگاه خط، محدوده طبقاتی آن را می‌شکست و دیگرگونی‌هایی را ایجاد می‌کرد و پیداست که این مسأله به نفع آنان نبوده است (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۲۳۱).

با ظهور دین اسلام، دانش کتابت کم‌کم مورد توجه بیشتری قرار گرفت. هر چند در صدر اسلام شغل کتابت محدود به کتّاب وحی بود، اما همین امروز تمدن اسلامی بسیار تأثیرگذار بود؛ به‌گونه‌ای که پس از فتوحات اسلامی و توجه به علوم مختلف در جهان اسلام، مسأله کتابت نیز دامنه‌ای وسیعی یافت و «ادب طهارت باطن» نیز در کتابت مورد توجه قرار گرفت. «ادب طهارت باطن و وجود آن در کاتب، به مرور زمان گسترده‌تر شد و به عنوان اصلی در آمد که همه کاتبان در کانون‌های خطاطی و خوشنویسی به رعایت آن موظف بودند. از سده نهم هجری که میان خوشنویسی و برخی از سلسله‌های عرفانی مانند نقشبندیه پیوندی استوار برقرار شد، پاره‌ای از آراء عرفانی نیز لازمه خوشنویسی و کتابت گردید و مرعی داشتن آن از شرایط کاتب شدن، چنانکه بیشترین رسائلی که سده نهم به بعد در خصوص کاتب و کتابت و خوشنویسی تألیف شد، ماحصلی را به این موضوع که احتراز کاتب است از صفات ذمیمه اختصاص داده‌اند...؛ پس کاتب باید که از صفات ذمیمه به کلی منحرف گردد و کسب صفات حمیده کند تا آثار انوار این صفات مبارک از چهره شاهد خطش سرزند» (همان: ۲۳۲ - ۲۳۳). به هر ترتیب با وجود جایگاه بالای کاتبان به‌ویژه در دوران پس از اسلام در ایران، این هنر نیز چون دیگر بخش‌های جامعه، دستخوش تغییر و تحولات بسیار شد. در این میان کاتبان و نسخه‌نویسانی ظهور کردند که نه تنها بر آداب و شرایط نسخه‌نویسی مسلط بودند، بلکه از علوم و فنون روزگار نیز بهره داشتند. اما در این میان، کاتبانی بودند که بنا به دلایل گوناگون از جمله رفیع دانستن مقام نویسنده و قداست‌بخشی به وی به‌ویژه در متون عرفانی، ابیاتی از شاعران دیگر را به نویسنده یا شاعری منسوب می‌داشتند. گاه به علت اهمال‌کاری و بی‌دقتی در انتساب اشعار دچار لغزش می‌شدند و مواردی که کاتبان فاضل بی‌توجه به آداب و سنت‌های علمی نسخه‌نویسی تنها به دلیل تعلق خاطر به زیبایی‌گرایی در خوشنویسی، مرتکب سهو و اشتباهاتی شده‌اند. «با آنکه جمیع نسخ خطی و کاتبان ادوار و کانون‌های نسخه‌نویسی را با وجود چنین نکاتی، با اصلی واحد و حکمی قاطع نمی‌توان سنجید و لیکن با توجه به روح فرهنگی هر دوره‌ای، می‌توان موازین علمی و هنری مقبول و مرعی



کاتبان آن دوره را شناخت و نسخه‌های هر دوره از ادوار نسخه‌نویسی را به بررسی گرفت. با این همه نمی‌توان گفت که تساهل در کتابت و تصرف کاتبان، خاص یک دوره‌ای معین از ادوار نسخه‌نویسی بوده و در دوره‌ای دیگر وجود نداشته است؛ زیرا در هر دوره‌ای کاتبانی بوده‌اند که بنابر علتی در کتابت تصرف می‌کرده‌اند» (همان: ۲۳۶). از جمله عللی که در تمامی دوره‌های نسخه‌نویسی کم و بیش وجود داشته، سهو و اشتباه کاتب است و تساهل او در امر کتابت. سهو و تساهل کاتب در دوره‌های سوم و چهارم که بیت‌نویسی و نیز تندنویسی بنابر دستمزد کاتبان و امرار معاش آنان از طریق کتابت رواج عام یافت، بیشتر دیده می‌شود. با این همه، کاتبانی که اغلاطی سهوآمیز در کتابت مرتکب شده‌اند، در همه ادوار نسخه‌نویسی بوده‌اند و حتی کاتبانی که نسخه‌هایی را برای کتابنامه‌ها و خزانه‌های سلاطین کتابت کرده‌اند، با همه دقتی که در کارشان اعمال می‌کرده‌اند، گاه گاهی از خطاها و لغزش‌های سهوآمیز به دور نمانده‌اند. غلط‌هایی که به سهو در متون نسخه خطی راه می‌یافت، عمدتاً از روی غرض نبوده و جزء تصرفات کاتب به‌شمار نمی‌رود؛ بلکه از جمله لغزش‌های وی محسوب می‌شود. این‌گونه خطاها بیشتر در خصوص کتابت مکرر و یا عبارت یا بیتی از ابیات به چشم می‌خورد و یا تصحیف‌های بسیار واضح که با اندک تأملی از جانب مصحح و یا بر اثر مقابله دو نسخه یا بیشتر از کتابی، رفع می‌شوند. تصرف‌های سهوآمیز کاتبان و نسخه‌نویسان گاه بر اثر خستگی و خطای چشم، حرف یا حروفی را نادیده انگاشته‌اند و گاه کاتب دچار خطای ذهنی شده، به‌صورتی که هنگام استنساخ، کلمه‌ای را حذف و یا تکرار نموده است. این‌گونه از تصرفات غیرعامدانه و سهوی کاتبان «پس از سده هشتم هجری مکرر دیده شده است. در میان کاتبان و نسخه‌نویسان - خاصه کاتبانی که پس از ۸۰۰ هجری زیسته‌اند - کسانی بوده‌اند که به موازین، اصول، آداب و سنت‌های نسخه‌نویسی و کتابت آشنایی نداشتند و نیز گاه از فضل و دانش بهره‌مند نبودند و به محض خوشنویس شدن، از طریق نسخه‌نویسی امرار معاش می‌کرده‌اند. بدیهی است از چنین کاتبانی، چه تصرفات و خطاها و سهو‌هایی برمی‌خاسته است» (همان: ۲۴۱). از تصرفات بارز این گروه از کاتبان به هم آمیختن و خلط سخنان نویسندگان یا شاعر، با فرد دیگری است که تفکیک آنها به هنگام تصحیح، نیاز به دانش سبکی و آشنایی با شعر یا نثر هنرمندی دارد که سخن او به اشتباه به مؤلف نسبت داده شده و نیز مستلزم به دست آوردن نسخه‌های پایه و اساس است. «اختلاط و به هم آمیزی میان عبارات مؤلف با اضافات و حواشی در خصوص آثار و نگاشته‌های منظوم فارسی بیشتر دیده می‌شود. کاتبان و نسخه‌نویسانی که عده‌ای از آنان با به نظم کشیدن دو سه بیت در دست نوشته خود می‌پرداختند. در مواردی در ترقیمه‌شان چند بیتی از شاعری دیگر را به مناسبتی درج



می‌کردند. هم در نسخه‌نویسی آثار منظوم، سنتی در میان کاتبان معمول بوده است» (همان: ۲۴۳).

۸. آداب کتابت

نجیب مایل هروی در خصوص آداب کتابت بیان می‌کند که طالبان علم، علما و دانشمندان که با قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود به نشر فرهنگ و تکثیر کتب می‌پرداختند، اگر چه با فراز و فرودهای بسیار، اما توانستند در حد بضاعت خویش در حوزه نسخه‌نویسی و کتاب‌آرایی، آثار ارزشمندی را فراهم آورند. استنساخ یا کتابت از جمله اموری بود که بر ارزش و اعتبار دانشمندان می‌افزود و پایه‌های علم آنان را مستحکم می‌کرد (۱۳۸۰: ۱۴۷). قمی نیز در تعریف ارزش و اهمیت استنساخ و کتابت می‌گوید: «ورقت، حرفه‌ای بود که بسیاری از علما برای خود برگزیده بودند و وظیفه آنان استنساخ کتب، تصحیح، تجلید و فروش آنها بود» (۱۳۵۸ ق: ۴۲۵). در کتاب «مفتاح‌المطالب» در لوازم و آداب کتابت آمده است: «بر کتاب لازم است که بعد از فراغ کتابت آنچه نویسند، البته از اول تا آخر بخوانند و بی‌آنکه بخوانند، مقرض نمایند و عنوان ننویسند. بر کاتب لابد است که ظاهر دوات را از آلودگی و آرایش محارست نموده و محل باد و گرد یا در وقتی که خط را از نوائب حوادث کدورت و ملالی رسیده باشد، کتابت نباید کرد و حکما و قدما محذور و ممنوع داشته‌اند به مقتضی کل امر ذی بال» (نوشاهی، ۲۰۰۷: ۷۵-۷۶).

در کتاب خیرالمجالس که ملفوظات شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی است، از گردآوردن ملفوظات چشتیه چنین سخن به میان آمده است: «بنده به حکم فرمان ملفوظ مولانا برهان الحق والدین پیش برد بنده را در فرمودند آن محل بکش. در آن محل ورق شکسته بود. کشیدن داد. خواجه ذکر الله بالخیر این حکایت تمام خواندند و استحسان فرمودند. باز از سرآغاز کردند و چند جزء خواندند و هر بار می‌فرمودند که درویش نیکو نوشته... در این محل، بنده عرض داشت کرا که خداوند مولانا برهان الدین درویش و اصل بود، اما خدمت خواجه در علم ابوحنیفه‌اند و در زهد و شیخی، شیخ نظام‌الدین وقت. انشاءالله مجالس خواجه بنویسم، باعث نوشتن این کتاب این بود» (قلندر، ۱۳۹۸: ۱۱-۱۲). ایرادات موجود در نگارش نسخ خطی را می‌توان ذیل چند دسته تقسیم بندی نمود:

۱. روش نقطه گذاری؛

۲. عدم تخصص کاتب در موضوع مورد کتابت؛

۳. شباهت کلمات یا حروف به یکدیگر؛



۴. تکرار کلمات یا حذف آنها ضمن کتابت؛

۵. تغییر و تحولات زبان؛

۶. سرعت کتابت؛

۷. غفلت از مقابله با آنچه که کاتب شنیده است به ویژه در کتابت ملفوظات؛

۸. عدم بهره‌گیری از علائم سجاوندی؛

۹. اغراض کاتب؛

۱۰. کتابت و تصحیح ذوقی؛

۱۱. کم سواد بودن برخی از کاتبان؛

۱۲. ناخوانایی نسخی که کاتب مورد استنساخ قرار داده است (ر.ک: شکراللهی طالقانی، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

۹. معرفی نسخه‌ها

۱. دهلی نو، احمدآباد، گجرات هند، کتابخانه درگاه پیر محمدشاه، مرکز میکروفیلم نور، تاریخ کتابت ۸۸۲، کاتب مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی. ۴۷۹ص. خط نستعلیق. شماره بازیابی ۴۸/۲. این نسخه قدیمی‌ترین نسخه است.

۲. استانبول، تویقپو سرای، روان کوشکی، تاریخ کتابت ۹۸۷. بی‌کا. ۴۷۷ص. شماره بازیابی ۴۶۱. خط نستعلیق.

۳. ترکیه، کتابخانه استانبول، شماره نسخه ۱۵۵۲، اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم. کا: اسعد افندی. ۱۴۷ص.

۴. تهران، کتابخانه ملی، شماره نسخه ۲۵۹۵/۳، بی‌کا، خط نسخ و نستعلیق، احتمالاً قرن دهم، ۲۳۷ برگ.

۵. تهران، دانشگاه تهران. شماره نسخه ۵۲۰۶، کا: خوشحال بیگ قراقوشچی، تا: ۱۱۱۲ ه.ق. ۴۰۵ص.

۶. تهران، مجلس (منتخب)، شماره نسخه ۱۳۰۳/۴، بی‌کا، خط نستعلیق، قرن ۱۱، ۱۵ص.

۷. تهران، دانشگاه تهران، شماره نسخه ۸۰۷۴، کا: شاه منصور قاری. تا: ۱۲۷۳ ه.ق. ۳۶۵ص.

۸. مشهد، شماره نسخه ۵۰۶۴۳، تا: ۱۲۷۴، بی‌کا، خط نستعلیق، ۳۹۲ص.

۹. تهران، مجلس، شماره نسخه ۵۴۵۴۶، خط نستعلیق، تا: ۱۳۴۷ق-۱۳۰۷ش، به اهتمام: مولوی حکیم غلام

مرتضی، سلسله اشاعه العلوم، حیدرآباد دکن، ۴۸۲ص.

۱۰. یزد، جامع کبیر (منتخب) شماره نسخه ۱۶۱/۷، بی‌کا، بی‌تا، خط نستعلیق، (این نسخه یافت نشد)؛ آنچه



به دست آمد به شماره ۲۲۹۴ از وزیری، وزیری ارجاع به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است).

۱۱. آستان قدس رضوی، شماره نسخه ۴۳۵۹۹، بی تا، بی کا، خط نستعلیق، ۳۵۴ ص.

۱۲. قم، دانشگاه مفید، شماره نسخه ۲۳۰۵، این نسخه در ۴۸۶ صفحه از نسخه حیدرآباد دکن هند رونویسی شده است.

۱۳. نسخه اساس: حیدرآباد دکن، سلسله اشاعه العلوم به اهتمام: مولوی حکیم غلام مرتضی صاحب، مهمتم اشاعه العلوم حیدرآباد، مطبوعه اشرف پریس، واقع خویلی قدیم، محرم الحرام ۱۳۴۷ هجری. شماره نسخه ۳۶۶.۰۲۹۱۹ ص.

۱۰. مختصری درباره سلسله چشتیه

چشتیه، «سلسله‌ای معروف از صوفیان مسلمان شبه قاره هند، منسوب به [ایالت] چشت در افغانستان است؛ با اینکه پیروان آن حنفی مذهبی اند، اما ارادشان به ائمه شیعه در خور توجه است. در اینکه این فرقه به چه کسی منسوب است، اختلاف بسیاری دیده می‌شود. گروهی چشتیه را منسوب به معین‌الدین محمد، ملقب به آفتاب ملک هند (۵۳۷-۶۳۵ ه.ق) می‌دانند. خواجه معین‌الدین اصالتاً سیستانی بوده و در شهرهای خراسان زندگی می‌کرده و با مشهورترین صوفیان عصر خود از قبیل نجم‌الدین کبری، شهاب‌الدین سهروردی و اوحدالدین کرمانی ملاقات کرده است. وی در سال ۵۸۹ ه.ق به دهلی رفته و از آنجا به اجمیر (ایالتی در هندوستان) عزیمت کرده و در همان جا وفات کرده است. گروهی دیگر نیز مؤسس این فرقه را مردی به نام ابواسحاق شامی می‌دانند که از سادات بوده و نسبتش با نه واسطه به امام علی می‌رسیده است. ابواسحاق از اهالی آسیای صغیر، به هند مسافرت کرد و در چشت ساکن شد و برخی نیز نوشته‌اند وی سپس به شام رفت و در عکا مدفون گشت. گروهی دیگر نیز مؤسس چشتیه را خواجه ابدال چشتی دانسته و گفته‌اند: خواجه معین‌الدین محمد، خواجه ابدال را به هند آورده است و یا آنکه خواجه ابدال خود در سال ۴۷۱ هجری قمری به هند مسافرت کرده است و ناگفته پیداست که این نمی‌تواند صحیح باشد؛ زیرا مرگ خواجه معین‌الدین سال ۶۳۳ ه.ق ذکر شده و نمی‌تواند عامل هجرت خواجه ابدال در سال ۴۷۱ ه.ق باشد» (رحیمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۴).

۱۱. درباره نویسنده کتاب شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا

کتاب شمایل‌التقیا و رذایل‌الاشقیا اثر خواجه رکن‌الدین کاشانی است که بر طبق تذکره‌ها، اطلاعات چندان دقیقی از زندگی، ولادت و وفات او در دست نیست. آنچه که مسلم و مشخص است، آنکه نام وی «رکن‌الدین» و



نام پدرش «عمادالدین کاشانی خدآبادی» می‌باشد. پدر وی «چهار فرزند پسر به نام‌های عمادالدین، مجدالدین، رکن‌الدین و برهان‌الدین داشته است که هر چهار برادر از یک مادر بوده‌اند. این چهار برادر به چهار کاشانی معروف و هر چهار برادر از صوفیان به نام طریقه چشتیه و صاحب تألیفات متعدد بوده‌اند. برخی نوشته‌های ایشان در دست و تعداد بسیاری از آنها مفقود شده است و فقط نامی از آنها در میان کتب مشایخ چشتیه به چشم می‌خورد» (همان: ۳۰۳). رکن‌الدین کاشانی، نویسنده کتاب مذکور با لقب «دبیر» در میان عارفان و بزرگان چشتیه معروف بود و آنچه که از شواهد و تذکره‌های تاریخی برمی‌آید، آنکه در اوایل نیمه قرن هفتم ه. ق در جنوب هندوستان به سر می‌برده است. بنا بر متن شمایل‌الاعتقیا و رذایل‌الاشقیا در حوالی سال‌های ۷۲۷ ه. ق نوجوان بوده و این تنها اشاره‌ای است که با قرائن مختلف می‌تواند تولد او را در حدفاصل دهه اول سده هفتم تا حدودی مشخص سازد. مقبره وی در خلدآباد شریف و در جوار مزار فایض‌الانوار برهان‌الدین غریب است.

۱۲. ملفوظات

ملفوظات را می‌توان به‌عنوان توسعه منطقی دو سنت اسلامی یعنی شرح حال‌نویسی و گردآوری احکام طرح شده در سده‌های متقدم دوره اسلامی به شمار آورد. در سنت صوفیه، نکاتی از زندگی‌نامه شخصیت‌های مهم و نیز گردآوری گفتار آنها در آثاری مانند طبقات‌الصوفیه اثر عبدالرحمان سلمی در هم آمیخته شده است. این قاموس‌های زندگی‌نامه‌ای متقدم تا حد بسیاری بر انتقال شفاهی تعالیم شیوخ صوفی مبتنی بودند. هر چند مجموعه‌های مکتوب گفتار برخی از این شخصیت‌ها مانند بایزید بسطامی نیز تدوین شده بودند. یکی از بزرگان طریقت چشتیه، نظام‌الدین اولیاء بود که به‌ویژه در میان نظام فکری و مکتب تصوف چشتیان، سبک ملفوظات او بالیدن گرفت و به جرأت می‌توان گفت که تمام شیوخ و بزرگان چشتیه پس از وی که ادعای میراث‌داری وی را داشتند، ملفوظات او را گردآوری نموده‌اند. نصیرالدین محمود چراغ‌دهلی (۱۳۵۶م)، برهان‌الدین غریب (۱۳۳۷م) هر دو از شاگردان وی بودند که تعالیم نظام‌الدین اولیا را در خیرالمجالس، نفائس‌الانفاس، احسن‌الاقوال، غرائب‌الکرامات و شمایل‌الاعتقیا گردآوری کرده بودند. این ملفوظات، جزئیات بسیاری از زندگی صوفیه در بافتار اجتماعی آنان را ترسیم می‌کند و منبع ارزشمندی از اطلاعات را در تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عصر و زمانه آنان در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. «اهمیت تاریخی این متون باعث شکل گرفتن



تلاش‌هایی شد برای تعیین ملفوظات. بدین معنی که آیا هر کدام واقعاً توسط یکی از شاگردان نوشته شده و درباره‌ی شیخ ادعا شده هستند یا نه. آنچه در خصوص ملفوظات مورد غفلت قرار گرفته، البته به غیر از توضیحات کارل ارنست در این باره، این سؤال است که چگونه چنین مجموعه‌های جامعی از داده‌های تاریخی و عقاید مذهبی خلق شده‌اند؟ کلید فهم ساختار ملفوظات، رابطه‌ی استاد شاگردی در تصوّف پیشامدرن و ماهیت مرجعیت معنوی حاصل از آن است» (استاینفلز و مصحفی، ۱۳۹۸: ۲۹). ملفوظات را می‌توان متونی پازل مانند دانست که نخستین قطعه‌ی آن مسأله‌ی مؤلف است و اینکه کلمات متعلق به چه کسی است و مسئولیت محتوای آنچه که مطرح شده است و صحت و سقم ادعاهای موجود در کتاب و انتساب کلمات، اشعار و... با کیست؟ در توضیح این نکته باید گفت: «ملفوظات جمع واژه‌ی ملفوظ است. ملفوظ اسم مفعول بوده که معنای گفته شده یا گفتار می‌دهد، بنابراین ملفوظات صریحاً مدعی است که کلمات گفته شده توسط شیخ است، نه متون ادبی خلق شده توسط شاگردان. در عین حال، روشن به نظر می‌رسد که تألیف توسط شاگرد انجام شده است؛ زیرا معمولاً مقدمه‌ای به نام خود دارد که به توضیح هدف از گردآوری این تعالیم استادش پرداخته و بیان می‌کند که در چه زمانی و در کجا با استادش مجالست داشته و غالباً به‌عنوان الگوی خود ملفوظات قبلی را ذکر می‌کند؛ بنابراین ملفوظات یک تلاش مشارکتی است که توسط شیخ گفته شده، اما توسط شاگرد نوشته شده و ویرایش هر دو در آن اعمال می‌شود» (همان).

ملفوظات از مهمترین آثار ادبی در طریقت چشتیه به حساب می‌آمده است. «طبق سنتی، مریدان برجسته در مجالس پیران خود حضور می‌یافتند و سخنان آنان را یادداشت می‌کردند. این ملفوظات، علاوه بر جنبه‌ی ادبی و عرفانی، از نظر تاریخی نیز حائز اهمیت و بیانگر افکار و اعمال مشایخ چشتیه‌اند. از جمله این ملفوظات، می‌توان به انیس‌الارواح یا انیس دولت و کلمات خواجه عثمان که از قدیم‌ترین ملفوظات موجود و منسوب به خواجه عثمان هارونی است و خواجه معین‌الدین چشتی، خلیفه‌ی وی آن را گرد آورده است، اشاره نمود و نیز دلیل‌العارفین، سخنان خواجه معین‌الدین چشتی که خواجه قطب‌الدین بختیار آنها را به صورت کتابی تدوین کرده است. فوائدالنفوس، یکی (دیگر) از مهمترین ملفوظات موجود از امیرحسن دهلوی، شاعر معروف پارسی‌گوی هند و مرید خواجه نظام‌الدین اولیاست که سخنان پیر خود را گرد آورده است. به طور کلی، گردآوری ملفوظات که بیشتر به فارسی بود، پس از پایان دوره‌ی اعتلای چشتیه و تا این اواخر، روشی معمول بود؛ اما به تدریج گردآوری ملفوظات به زبان فارسی از رونق افتاد» (منزوی، ۱۳۸۳: ۳ / ۱۳۱۵).



صوفیان هند در سده‌های هفتم و هشتم، اندک اندک فعالیت‌های ادبی - عرفانی خویش را بسط و گسترش دادند. «چشتیان در آغاز، آراء خودشان را مکتوب نکردند؛ [اما] سرانجام سنتی پدید آوردند که از هر طریقه صوفیانه دیگری در هند پدیده‌تر و ماندگارتر بود. نه معین‌الدین چشتی و نه دو خلف اصلی‌اش، قطب‌الدین بختیار کاکي و فریدالدین گنج شکر، هیچ کتابی ننوشتند. نسل‌های اول چشتیان هند پیوسته بر تعلیم شفاهی تأکید داشتند؛ با این حال در نسل بعد، شیخ چشتیه - نظام‌الدین اولیا - چنان تأثیر ژرفی بر هم‌عصرانش نهاد که ژانر ادبی جدیدی به نام ملفوظات برای صورت‌بندی کردن تعالیمش پدید آمد» (فریامنش و ارنست، ۱۳۹۳: ۶).

دیری نپایید سنت ملفوظات به قالبی ادبی و رایج در میان مشایخ چشتیه تبدیل شد. شاید بتوان آغازگر این «ژانر عرفانی» را امیرحسن علا سجزی دانست که چیزی در حدود ۱۸۸ مجلس از مجالس شیخ خود نظام‌الدین اولیا را در حدفاصل سال‌های ۷۰۷ هـ. ق تا ۷۲۲ هـ. ق در کتابی به نام «فوائد الفؤاد» گردآوری نموده. وی این ملفوظات و مجلس را در قالب یادداشت‌های روزانه تهیه می‌کرد و سعی نموده نثری روان و سلیس به صورت گزارش تعالیم شیخ نظام‌الدین اولیا را یادداشت و عرضه نماید. ارتباط نزدیک میان مرید و مراد امیرحسن علا سجزی و شیخ نظام‌الدین اولیا و نیز مهارت و چیره‌دستی وی در نگارش متن، آن را به کتابی بسیار تأثیرگذار در تعالیم صوفیه چشتیه بدل ساخت. در پی این ملفوظات، نمونه‌های دیگری از این ملفوظات به‌ویژه در حلقه درس و بحث نظام‌الدین اولیا و برهان‌الدین غریب و نصیرالدین محمود چراغ دهلی به اقتضای اثر یاد شده پدید آمد که برخی از محققان آنها را «ملفوظات اصیل» می‌نامند.

این ملفوظات به‌طور کلی ویژگی‌های خاص خود را دارند که در درجه اول هدف اصلی مریدان و نویسندگان آن، ثبت و ضبط آرا و تعالیم شیخ بوده است. صوفیه کلمات زرگان خود مانند احادیث و روایات را کمتر مورد دخل و تصرف قرار داده‌اند و تا جایی که ممکن بوده بنظر می‌رسد که دخل و تصرفی در این قبیل کلمات نداشته‌اند از این رو اعتبار برخی جمله‌ها و عبارات آنها به قدری است که جای شک و شبهه و انکار باقی نمی‌گذارد.

یکی از کتبی که ملفوظات شیخ برهان‌الدین غریب از - مریدان اصلی نظام‌الدین وفا - و از مشایخ تصوف چشتیه را به رشته تحریر درآورد، کتاب «شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء» به کوشش رکن‌الدین کاشانی است که تقریباً گزارش گونه‌ای از اقوال شیخ برهان‌الدین غریب است. این کتاب ابتدا در ۴۵۵ صفحه در چاپ کمیاب و سنگی به چاپ رسید و منتخبی از اخبار شفاهی صوفیه چشتیه را مکتوب کرد. رکن‌الدین در مقدمه این اثر فهرست طولانی در حدود بیش از ۲۵۰ تن از بزرگان دین و تصوف را مورد توجه قرار داده و برای هر یک با دقت تمام به



نقل قول پرداخته است. علوم مختلف قرآن، فقه، کلام و حدیث که از علوم متداول اسلامی در دوره وی بوده، در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. متن کتاب شمایل‌الاعتقیا و ردایل‌الاشقیاء که ملفوظات چشتیه است، تقریباً میان سبک شفاهی (گفتاری) و متن را شامل می‌شود. نگارش کتاب که به نظر می‌رسد در زمان حیات برهان‌الدین غریب آغاز شده است و برهان‌الدین پنج‌بخش اول کتاب را تأیید کرده، رکن‌الدین را ملقب به «دبیر معنوی» نموده است (همان: ۱۴). موضوعاتی که رکن‌الدین دبیر کاشانی در این کتاب مورد توجه قرار داده است، شنوده‌هایی است که در مجالس درس و بحث برهان‌الدین غریب تقریر می‌شده است؛ تا جایی که این اثر را می‌توان مشتمل بر بسیاری از تعالیم شفاهی برهان‌الدین غریب به شمار آورد: «اقوال و شمایل مختلفه اعتقیا و اولیاء و احوال و فضایل نوعه ازکیا و اصفیا خارج تألیفات و تصنیفات مذکوره از عجائب ذهنی و غرائب بطنی که از زبان گوهربار و تقریر دُرر نثار کاشف مشکلات فرقان و مبین معضلات برهان اعنی پیر و مَرَبی شیخ و مَبْنی خود سماع شده است، در این رساله مکتوب و مسطور کند» (دبیر کاشانی، ۱۳۴۷ ه. ق: ۴). «با وجود سوابق [گردآوری ملفوظات] در سرزمین‌های عرب و ایرانی، ملفوظات مختص به مسلمانان آسیای جنوبی است. ملفوظات سبکی مستقل است که هر کدام از متون آن بر یک شخصیت متمرکز بوده و تعالیم او در طول زندگی‌اش توسط یکی از شاگردان مستقیمش در آنها ثبت شده است» (استاینفلز و مصحفی، ۱۳۹۸: ۲۹). در ملفوظات، نخستین سؤالی که مطرح می‌شود مسأله «مؤلف» است؛ اینکه این کلمات متعلق به چه کسی است و مسئولیت محتوای ملفوظات با کیست؟ آیا اگر اشتباهی در این ملفوظات باشد، از جانب گردآورنده یا کاتب است یا از ابتدا سهوی در ایراد مطالب رفته است. آنچه روشن است آنکه ملفوظات توسط شاگردان، گردآوری می‌شده است؛ زیرا معمولاً مقدمه‌ای با نام خود شاگرد در ابتدای ملفوظات می‌آید و هدف مرید را از گردآوری کلام مراد خویش توضیح و تبیین می‌نماید و بیان می‌کند که در چه زمانی و کجا با استاد خویش مجالست داشته و اغلب به‌عنوان الگوی خویش، ملفوظات پیشینیان را ذکر می‌نماید.

۱۳. تحلیل و بررسی مصادیق و شواهد خطاها و لغزش‌های کاتبان در استنساخ متن شمایل‌الاعتقیا و ردایل‌الاشقیاء

۱-۱۳. اشعاری که رکن‌الدین دبیر کاشانی به عنوان شاعر آنها معرفی شده است:

جدول شماره ۱

نسخه مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی، کاتب نسخه سال ۸۸۲:



ردیف	اشعار	توضیحات
۱	در ره خلق خوب سیرت و زشت هفت دوزخ تویی و هشت بهشت	شعر از حدیقه الحقیقه سنایی است، ولی مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی، کاتب نسخه سال ۸۸۲ که قدیمی‌ترین نسخه است، شعر را به نام کاشانی ثبت کرده است. کاتب نسخه روان کوشکی در سال ۹۸۷، در ص ۳۳، نه اشاره‌ای به رکن‌الدین کاشانی کرده است، نه به نام شاعر و تنها نوشته است: شعر. در نسخه حیدرآباد دکن هم کاتب تنها نوشته است: نظم.
۲	چه خوش ملکی است ملک صبح‌گاهی در آن کشور بیابی هر چه خواهی	شعر از نظامی است، با کمی اختلاف. مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی در نسخه سال ۸۸۲، به نام رکن‌الدین دبیر کاشانی نوشته است. در نسخ حیدرآباد دکن و روان کوشکی ص ۱۳۲ آمده است: بیت، نظم.
۳	به راه راست توانی رسید بر مقصود تو راست باش هر آن دولتی که هست تراست تو چوب راست ز آتش دریغ می‌داری کجا در آتش دوزخ برند مردم راست	شعر از سعدی است، با کمی اختلاف. در نسخه حیدرآباد دکن، کاتب فقط نوشته است: نظم. در نسخه سال ۸۸۲، مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی به نام کاشانی نوشته است.
۴	همه چیز را تا نجویی نیابی مگر دوست را تا نیابی نجویی	بیت از فیه مافیه مولانا است، با کمی اختلاف. در نسخه حیدرآباد دکن، کاتب فقط نوشته است: نظم. در نسخه سال ۸۸۲، مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی به نام کاشانی نوشته است.
۵	او با همه در جمال و چشم همه کور او با همه در حدیث و گوش همه کر	شعر از ابوسعید ابوالخیر است، با کمی اختلاف. در نسخه سال ۸۸۲، مولانا اسحاق تاج ابن حاجی القریشی الغزنوی فقط نوشته است: نظم. در نسخه حیدرآباد دکن، کاتب به نام کاشانی ثبت کرده است.



جدول شماره ۲

نسخه سال ۹۸۷:

ردیف	اشعار	توضیحات
۱	ما به کدام آرزو ذکر وصال کنیم شکر فراق هونوز می نتوان دوختن	از سعدی است، با کمی اختلاف. کاتب در نسخه روان کوشکی در سال ۹۸۷، به نام کاشانی کرده است.
۲	بمیر ای دوست پیش از مرگ گر می زندگی که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش از ما	ص ۲۰۶، از سنایی است. در نسخه روان کوشکی در سال ۹۸۷ به نام کاشانی ذکر شده است.
۳	در عشق سلامتی و رسوایی کافر شدن و گبری و ترسایی	محتمل است از عین‌القضات همدانی باشد؛ در نسخه روان کوشکی در سال ۹۸۷ به نام کاشانی ذکر شده است.

جدول شماره ۳

نسخه کتابخانه ملی به شماره ۲۵۹۵/۳:

ردیف	اشعار	توضیحات
۱	گر صد هزار سال همه خلق کاینات فکرت کند به معرفت ذات ای خدا آخر به عجز معترف آیند کای اله دانسته شد که هیچ ندانسته ایم ما	از عطار است، با کمی اختلاف. در نسخه کتابخانه ملی، کاتب به نام کاشانی ذکر شده است.

جدول شماره ۴:

نسخه کتابخانه حیدرآباد دکن:

ردیف	اشعار	توضیحات
۱	کفر چه دانی که چیست برتر از آن کافر نیست	در نسخه حیدرآباد دکن، نوشته شده از مؤلف است؛ ولی در نسخه کتابخانه ملی نوشته شده از مولانا است.



<p>در این نسخه، در یک جا نوشته شده از مولانا است و در جای دیگر نوشته شده از کاتب است.</p> <p>در نسخه‌های دیگر، مانند: حیدرآباد، مفید، مجلس، تهران و مشهد نوشته شده، این ابیات از صاحب مرصادالعباد است.</p>	<p>ای نسخه نامه الهی که تویی وی آینه جمال شاهی که تویی بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست در خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی</p>	<p>۲</p>
--	--	----------

۲-۱۳. مواردی که شاعر اصلی ذکر نشده است:

در نسخه‌های موجود اشعار بسیاری وجود دارد که کاتبان نام شاعران را اصلاً ذکر نکرده‌اند. اشعار از شاعرانی مانند مولانا، سعدی، نظامی، میر سیدعلی همدانی، سنایی، ابوسعید ابوالخیر، نجم‌الدین رازی، باباافضل کاشانی، اوحالدین کرمانی، عراقی، بایزید بسطامی، خواجه سید ظریف چشتی، عین‌القضات همدانی، رشیدالدین میبیدی، عطار، جامی، خیام، امیر خسرو دهلوی و فراهی هروی می‌باشد و کاتبان فقط به کلماتی، مانند: بیت، شعر، نظم، رباعی و مثنویات بسنده کرده‌اند.

۱. در نسخه سال ۸۸۲ شعر از امیر خسرو دهلوی است:

گر رحمت توست بر نکو زیست رحمت کن بندگان بد کیست

۲. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از نظامی است:

ز کم خوردن کسی را تب نگیرد ز پر خوردن به روزی صد بمیرد

۳. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از سعدی است:

گر گزندت رسد ز خلق مرنج که نه راحت رسد ز خلق نه رنج



۴. در نسخه حیدرآباد دکن شعر از خیام است:

مرغی بگرفت و آدمش نام نهاد

صیاد ازل چو دانه و دام نهاد

خود می‌کند و بهانه بر عام نهاد

هر نیک و بدی که در جهان می‌گذرد

ابیات درست آن:

صیدی بگرفت و آدمش نام نهاد

صیاد ازل که دانه و دام نهاد

او می‌کند و بهانه بر عام نهاد

هر نیک و بدی که می‌رود در عالم

۵. در نسخه حیدرآباد دکن از ابونصر فراهیدی است:

قسمی به من رند پریشان بخشند

آن جا که نصیب خوب کیشان بخشند

ور بد باشم مرا بدیشان بخشند

گر نیک آیم مرا از ایشان دانند

ابیات درست آن:

قسمی به من رند پریشان بخشند

روزی که نصیب خوب کیشان بخشند

ور بد باشم مرا به ایشان بخشند

گر نیک بوم مرا از ایشان شمرند

۶. در نسخه سال ۸۸۲ از اوحدالدین کرمانی است:

ور پر عیبی عیب نجویی نیکی

گر بد باشی بدی نگویی نیکی



صحیح آن:

می‌کوش در آنکه بد نگویی کس را گر بد باشی و بد نگویی، نیکی

۷. در نسخه ملی از نظامی است:

راستی آور که شوی رستگار راستی از تو ظفر از کردگار

۸. در نسخه سال ۸۸۲، ص ۴۲۹: این رباعی با کمی اختلاف از ابوسعید ابوالخیر است که نامش نیامده است:

اندر طلب دوست چو مردانه شدیم اول قدم از وجود بیگانه شدیم

او علم نمی‌شنید لب بر بستیم او عقل نمی‌خرید دیوانه شدیم

اندر طلب یار چو مردانه شدیم اول قدم از وجود بیگانه شدیم

۹. در نسخه سال ۸۸۲، رباعی از نجم‌الدین رازی است که نامش نیامده است:

با عشق جمال ما اگر هم نفسی یک حرف بس است اگر برین در تو کسی

تا با تو تویی توست بر ما نرسی بر ما تو گهی رسی که در ما برسی

۱۰. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از ابوسعید ابوالخیر است که نامش نیامده است:

او با همه در جمال و چشم همه کور او با همه در حدیث گوش‌ها همه کر

ای با همه در حدیث و گوش همه کر وی با همه در حضور و چشم همه کور

۱۱. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از باباافضل کاشانی است که نامش نیامده است:

تو راه نرفته از آن نمودند ورنی که زد این در که برو نگشودند؟



تو راه نرفته‌ای از آن نمودند / و نه که زد این در که درش نگشودند؟

۱۲. در نسخه سال ۸۸۲، حیدرآباد:

آزاده‌نسب زنده به جان دگر است / آن گوهر پاکیزه ز کان دگر است

کوران برونی و درونی این سر / کی بشناسند که این جهانی دگر است

شعر از اوحدالدین کرمانی، دیوان رباعیات، الباب الثانی: فی الشرعیات و ما یتعلق بها.

آزاده نسب زنده به جانی دگر است / و آن گوهر پاکشان ز کانی دگر است

۱۳. در نسخه روان کوشکی و حیدرآباد دکن، با کمی اختلاف از سنایی است که نامش نیامده است:

رو گدایی کن که ما / این از گدایی یافتیم

۱۴. در بیشتر نسخ، مانند: روان کوشکی حیدرآباد دکن، نسخه سال ۸۸۲ ابیات از قصاید سنایی است:

چندین هزار سجده که کردی به غافل / بنشین به صدق سجده خود را شمار کن

یک سجده کن چو سحره فرعون با حضور / وانگه میان جنت مأوی قرار کن

چندین هزار سجده بکردی ز غافل / بنشین یکی و سجده خود را شمار گیر

یک سجده کن چو سحره فرعون بی‌ریا / و آنکه میان جنت مأوی قرار گیر

۱۵. در نسخه حیدرآباد دکن و روان کوشکی:

هر قوم راست راهی دینی و قبله گاهی / من قبله راست کردم بر سمت

کج کلاهی

شعر از خواجه ظریف چشتی یا امیر خسرو دهلوی است



۱۶. در نسخه روان کوشکی:

این نه مسجد که به هر لحظه درش باز کنند
تا تو دیر آیی و اندر صف پیش آیی زود

این بیت شعر فقط در این نسخه آمده. شعر از غزلیات عراقی است که صورت درست آن، این است:

این نه مسجد که به هر لحظه درش بگشایند
تا تو اندر دوی، اندر صف پیش آیی زود

۱۷. در نسخه روان کوشکی:

سیر عارف هر زمان تا تخت شاه
سیر زاهد بعد مه یک روزه راه

شعر از مولانا است، با کمی اختلاف:

سیر عارف هر دمی تا تخت شاه
سیر زاهد هر مهی یک روزه راه

۱۸. در نسخه روان کوشکی:

کوسوخته‌ای که سازمش محرم خویش
یا دل شده‌ای که یابمش همدم خویش

شعر از بایزید بسطامی است، با کمی اختلاف:

کوسوخته‌ای که سازمش محرم خویش
یا دل شده‌ای که یابمش محرم خویش

۱۹. در نسخه روان کوشکی و نسخه سال ۸۸۲:

به دنیا توانی که عقبی خری
بخر جان من و نه حسرت بری

شعر از بوستان سعدی است.

۲۰. در نسخه روان کوشکی:

این جهان بر مثال مرداریست
کرکسان گرد او هزار هزار

او مر آن را همی زند مخلص
وین مر این را همی زند منقار

آخر الامر جمله برگذرند
وز همه باز ماند این مردار



شعر با کمی اختلاف، از سنایی است.

۲۱. در نسخه سال ۸۸۲، با کمی اختلاف شعر از عین‌القضات همدانی است که نامش نیامده است:
چون قبله به جز جمال معشوق بود
عشق آمد و محو کرد هر قبله که بود

۲۲. در نسخه سال ۸۸۲:

احرام عاشقان به از احرام حاجیان
کان ره به سوی کعبه بود وین سوی دوست

شعر از رشیدالدین میبیدی است، با کمی اختلاف.

۲۳. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از گلستان سعدی است. در باب سوم در فضیلت قناعت که نامش نیامده است:
خوردن ز بهر زیستن و ذکر گفتن است
تو معتقد که زیستن از بهر خوردن است

۲۴. در نسخه سال ۸۸۲، شعر با کمی اختلاف از باباافضل کاشانی است:

تو او نشوی ولیک اگر جهد کنی
جایی بررسی کز تو تویی برخیزد

۲۵. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از باباافضل کاشانی است:

چندان برو بر ره که دویی برخیزد
ور هست دویی به رهروی برخیزد

تو او نشوی ولیک اگر جهد کنی
جایی بررسی کز تو تویی برخیزد

۲۶. در نسخه سال ۸۸۲، شعر با کمی اختلاف از باباافضل کاشانی است که نامش ذکر نشده است:

بنشین و سفر کن به غایت نغز است
بی‌زحمت پا گرد جهان گردیدن

۲۷. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از مولانا است:

گر با همه‌ای چو بی‌منی بی‌همه‌ای
ور بی‌همه‌ای چو با منی با همه‌ای



۲۸. در نسخه سال ۸۸۲، شعر با کمی اختلاف از حدیقه الحقیقه سنایی است:
سلوتی نیست روح را با کس سلوتی روح خلوت آمد بس

۲۹. در نسخه سال ۸۸۲، شعر با کمی اختلاف از بایزید بسطامی است که نامش نیامده است:
کو سوخته تا سازمش محرم خویش یا دل بنده که یا بمش همدم خویش

بس هر دو به کنج خلوتی بنشینیم من ماتم خود دارم او ماتم خویش

۳۰. در نسخه سال ۸۸۲، شعر از مخزن الاسرار نظامی است که نامش نیامده است:
سایه خورشید سواران طلب رنج خود و راحت یاران طلب

۳۱. شعر ذیل از سعدی است که فقط در نسخه حیدرآباد دکن نام شاعر آمده است:
سخن تا نگفتی توانیش گفت ولی گفته را باز نتوان نهفت

۳۲. در نسخه حیدرآباد دکن، کاتب در نسخه حیدرآباد دکن اشاره کرده به اینکه این شعر از نظامی است ولی از نظامی نیست.

گفتم که پیمبری تو یا پیر گفتا که دوی ز راه برگیر

۳۳. در نسخه سال ۸۸۲، کاتب نام شاعر را ذکر نکرده است:
گفتم که پیامبری تو یا پیر گفتا که دویی ز راه برگیر

۳۴. شعر از شمس‌الدین محمد بردسیری یا اوحدالدین کرمانی است:
مصباح‌الارواح:
گفتم که تو مصطفایی یا پیر گفتا که دویی ز راه برگیر

بر اساس نسخه سال ۸۸۲ که قدیمی‌تر است، تعداد کل ابیات ۶۷۹ بیت است و ۸ تک بیت دارد. ۳۳۳ بیت برای



رکن‌الدین کاشانی است. کاشانی از اشعار عربی هم به عنوان شاهد مثال استفاده کرده است مانند اشعار کعب زهیر. کاتب در این نسخه دو بیت را به نام منشی آورده که مشخص نیست منظور از منشی کیست.

۳. ابیاتی که در هیچ یک از نسخه‌ها شاعر آن ذکر نشده است:

از نظامی است:

هر چه نه یاد تو فراموش به هر که نه گویای تو خاموش به

از سنایی است:

بمیرای دوست پیش از مرگ اگر تو زندگی خواهی که ادريس از چنين مردن بهشتی گشت پیش از ما

از شیخ ابوسعید است:

غازی که به راه کشتن اندر تک و پوست جان داده به تیغ عشق فاضل‌تر از اوست

فردای قیامت او بدین کی ماند کو کشته دشمن است و این کشته دوست

غازی به ره شهادت اندر تک و پوست غافل که شهید عشق فاضل‌تر از اوست

فردای قیامت این بدان کی ماند کان کشته دشمن است و این کشته دوست

از نجم‌الدین رازی است:

یک جام تجلی جلال تو بس است تا از عدم و وجود بیزار شوم

یک جام تجلی جلال تو بسم تا از عدم و وجود بیزار شوم

نتیجه‌گیری

کاتبان نسخ گوناگون در دوره‌های مختلف تاریخی، به دلایل مختلف، اشتباهاتی در کتابت متون استنساخی خود داشته و گاه دخل و تصرفاتی را در متن اعمال نموده‌اند. این لغزش‌ها به دلایل مختلفی از جمله بی‌دقتی،



بی‌حوصلگی، اهمال‌کاری، اختلاف‌مذهب، تندنویسی، خستگی و... دخل و تصرفاتی عامدانه یا غیرعامدانه در متن داشته‌اند. بر این اساس، همواره در نسخ خطی خطاها و لغزش‌هایی ناشی از موارد یاد شده را می‌توان مشاهده کرد.

در نگارش ملفوظات و در هنگام نوشتن تعالیم صوفیه، خلیفه یا مریدی که نقش و وظیفه‌اش ثبت و ضبط سخنان و تقریرات شیخ یا مراد بود، در ضمن بیان نکات مدنظر، گاه اشعار و عباراتی را در حاشیه نسخه می‌افزوده است. این اشعار در قدیمی‌ترین نسخ موجود از کتاب شمایل‌التقیاء و رذایل‌الاشقیاء، گاه با نام‌یابی شاعر مورد توجه قرار گرفته است؛ اما هر چه از زمان مکتوب ساختن ملفوظات، جلوتر می‌آییم، اشتباهات و خطاهای بیشتری در عدم ذکر نام این شاعران در متن شمایل‌التقیاء دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این ایرادها، در ادامه سنتی است که در آن نویسندگان و کاتبان این اشتباهات یا کاستی‌ها را که به نظرشان مناسب و درست بود اعمال می‌کردند. گاه آنچه از اغلاط موجود در انتساب اشعار شعرای مطرح در متن کتاب شمایل‌التقیاء و رذایل‌الاشقیاء وجود دارد، ناشی از تعصبات شخصی کاتب نسبت به نویسندگان و ارادت بیش از اندازه به اوست، از این رو جانبداری و تعصب کاتبان ممکن است شرایطی را فراهم آورد که حتی انتساب اشعاری به مؤلف، مانند آنچه که در شمایل‌التقیاء و رذایل‌الاشقیاء وجود دارد، دچار خلل شود. از این رو گاه کاتب برای بزرگداشت رکن‌الدین دبیر کاشانی با توجه به مقام و مرتبه معنوی وی، اشعار سنایی، سعدی و... را به وی نسبت داده‌اند. از این رو یکی دیگر از دلایل عدم ذکر نام شاعر در متن برخی از نسخ خطی کتاب شمایل‌التقیاء و رذایل‌الاشقیاء را می‌توان این مطلب دانست.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



منابع و مأخذ

- استاینفلز، امینا و مصحفی، محمد احسان (۱۳۹۸)، سبک ملفوظات در تصوف آسیای جنوبی، نشریه اطلاعات حکمت و معرفت. سال چهاردهم. شماره ۲. صص ۲۸-۳۲.
- امیرسالار، محمود (۱۳۸۴)، علامه قزوینی و فن تصحیح متن، نامه بهارستان. سال ششم. شماره اول- دوم. ۱۱-۱۲. صص ۱۸۹-۲۰۶.
- دبیر کاشانی خلدآبادی، رکن‌الدین بن عمادالدین (۱۳۴۷ هـ. ق)، شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء، به اهتمام مولوی حکیم غلام مرتضی، حیدرآباد دکن: مطبوعه اشرف پریس (نسخه اساس).
- رحیمی، زهرا، محمد رضایی، قدرت‌الله خیاطیان (۱۴۰۱)، بررسی متن شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء مبتنی بر طریقت چشتیه و متنی از سده هشتم هجری، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۵. پیاپی ۸۲. صص ۲۹۹-۳۲۰.
- (۱۴۰۱)، بررسی و تحلیل مؤلفه‌های طریقت چشتیه بر اساس متن شمایل الاتقیا و رذایل الاشقیاء، فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات نقد زبانی و ادبی (رخسار زبان سابق)، سال ششم. شماره ۲۲. صص ۹۳-۱۱۴.
- شکراللهی طالقانی، احسان‌الله (۱۳۸۵)، تصنیف و تصحیف (علل تصحیف و تصرف کاتبان و شکوه مؤلفان و مصنفان از ایشان)، آینه میراث. دوره جدید. شماره ۳۲. صص ۱۲۹-۱۵۷.
- فریامنش، مسعود (۱۳۹۲)، ذیل عنوان حسن سجزی دهلوی، دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره زیر نظر گروه شبه قاره. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- فریامنش، مسعود و ارنست کارل (۱۳۹۳)، مکتوب شدن تعالیم شفاهی در چشتیه متقدم، آینه پژوهش، سال بیست و پنجم. شماره ۱۴۸. صص ۵-۱۴.
- قلندر، حمید (۱۳۹۸)، خیرالمجالس: ملفوظات حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات از: خلیق احمد نظامی. چاپ دوم. تهران: مولی.
- قمی، عباس (شیخ) (۱۳۵۸ ق)، الکنی و الالقاب، ج ۱. نجف: صید المطعبه العرفان.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹)، نقد و تصحیح متون، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- منزوی، احمد (۱۳۸۳)، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، ج ۱. چاپ دوم. تهران: مجمع ذخائر اسلامی.
- نوشاهی، عارف. (۲۰۰۷)، آداب و لوازم کتابت؛ برگرفته از نسخه اصلی خطی مفتاح‌المطالب، نامه بهارستان. شماره ۸-۹. صص ۷۵-۷۶.